



آیا کلام خداوند به صورت لفظی بر پیامبر(ص) نازل می‌شد

از نظر «معتزله» کلام خداوند مانند کلام انسان به صورت الفاظ معنادار به گوش پیامبر(ص) می‌رسید اما «اشاعره» معتقدند که اصل کلام خداوند از جنس اصوات نیست بلکه صفتی قدیم است که به کلام نفسی مشهور شده است.

از نظر «معتزله» کلام خداوند مانند کلام انسان به صورت الفاظ معنادار به گوش پیامبر(ص) می‌رسید اما «اشاعره» معتقدند که اصل کلام خداوند از جنس اصوات نیست بلکه صفتی قدیم است که به کلام نفسی مشهور شده است.

به گزارش خبرنگار آیین و اندیشه خبرگزاری فارس، در طول تاریخ تفکر اسلامی، وحی به عنوان دریافت پیام از خدا مطرح بوده است، یعنی پیامبر(ص) وسیله‌ای بوده، جهت دریافت آموزه‌ها و دستورهای الهی برای ابلاغ به مردم. در این ارتباط، پیامبر(ص) پیام الهی را با همان مضمون و کلامی که از خداوند دریافت داشته، به دیگران ابلاغ می‌کرده است.

دیدگاه متفکران اسلامی درباره وحی با افرادی نظیر دکتر سروش که روایاتی مدرن از وحی ارائه کرده‌اند، تفاوت‌هایی دارد. در این سلسله مباحث براساس کتاب «انکار قرآن» عبدالله نصری، تلاش داریم برخی از دیدگاه متفکران اسلامی در این زمینه را منتشر کنیم:

*متکلمان و کلام الهی

دیدگاه متکلمان در باب وحی، به بحث‌هایی مربوط است که آن‌ها در باب «حدوث و قدم قرآن» مطرح کرده‌اند. اینکه آیات قرآنی برای قرآن، وجودی در کتاب مکنون و لوح محفوظ یا ام‌الکتاب قائل شده‌اند، پرسش‌هایی برای متکلمان پدید آورده است؛ از جمله آن که آیا قرآن قدیم است یا حادث.

اگر قرآن موجود در لوح محفوظ قدیم است، نسبت آن با قرآن وحی شده بر پیامبر - که حادث است - چگونه است؟ کلام خدا که قدیم و صفتی قائم به ذات است، چگونه صورت ملفوظ پیدا می‌کند؟

*اشاعره و قدم کلام

برخی از اشاعره معتقد هستند که قرآن کلام خدا و غیر مخلوق است و هر که آن را مخلوق بداند، کافر است. به گفته شهرستانی، مشبه اشعریه معتقد بودند که قرآن قدیم و کلام خداست.

اشاعره معتقد به کلام نفسی‌اند که قدیم و قائم به ذات خداوندی است و الفاظ و کلمات در جهت ابراز آن کلام به کار گرفته می‌شوند. کلام نفسی غیر از عبارات است زیرا عبارات متناسب با زمان و مکان و ملل مختلف تغییر می‌کنند، حال آنکه تغییر در کلام الهی رها ندارد. کلام نفسی به واسطه الفاظ یا اشارات و کنایات مورد دلالت قرار می‌گیرند.

کلام نفسی غیر از عبارات است زیرا عبارات متناسب با زمان و مکان و ملل مختلف تغییر می‌کنند، حال آنکه تغییر در کلام الهی رها ندارد

از نظر اشعری عبارات و الفاظی که بر انبیاء نازل می‌شوند دلالت‌هایی بر کلام نفسی و ازلی الهی هستند.

این دلالت‌ها حادث‌اند اما مدلول آن‌ها قدیم‌اند.

«ابن کلاب»، معتقد بود که کلام خدا غیر قابل تغییر است و عبارات و الفاظ قرآن جانشین کلام خداست. از نظر وی، کلام خدا نمی‌تواند صورت ملفوظ پیدا کند، لذا باید معتقد شد که کلام خدا توسط پیامبر(ص)، صورت عربی پیدا کرده است. برخی از طرفداران «ابن کلاب» نیز معتقد بودند که جبرئیل به کلام الهی صورت لفظی بخشیده است.

برخی از اشاعره قرآن را الفاظ فرود آمده بر زبان فرشتگان می‌دانستند که بر پیامبر نازل شده است. از نظر آنها، کلام خدا غیر مخلوق و بسیط و ازلی است اما قرآن، وحی شده، حادث و مدلول کلام قدیم ازلی است. قرآن به صورت مجازی نه حقیقی، کلام خداست. از نظر اشاعره، قرآن وحی شده بر پیامبر، عبارت و کلام نفسی قائم به ذات حق تعالی است نه عین کلام الهی.

برخی از معتزله کلام حق را حادث و مخلوق در محل می‌دانستند. آنها کلام را حرف و صوت به شمار می‌آوردند. برخی از مفسران بصره، مانند جباییه و هاشمیه معتقد بودند که حق تعالی به کلامی تکلم می‌کند که آن را در محلی می‌آفریند. متکلم کسی است که کلام فعل اوست، نه آن که کلام قائم به او باشد.

اغلب معتزله بغداد کلام خدا را عرض و مخلوق می‌دانستند. از نظر آنها قرآن نیز که کلام خداست در لوح محفوظ آفریده شده است. در لوح محفوظ نیز قرآن به صورت کلمات و حروف بوده است.

برخی از معتزلیان هم معتقد بودند که کلام خدا عرض و مخلوقش است و در عین حال در آن واحد در دو جا نمی‌تواند حضور داشته باشد، یعنی قرآن نمی‌تواند از لوح محفوظ به زمین انتقال پیدا کند. لذا قرآن وحی شده، حکایت‌گر قرآن قبل از وحی است یعنی قرآن وحی شده بر پیامبر(ص)، تقلیدی از قرآن موجود در لوح محفوظ است.

*مشکل متکلمان

با توجه به آرای متکلمان اشعری و معتزلی، باید گفت مشکل اساسی آنها این بوده که چگونه کلام خدا پس از وحی، صورت لفظی به خود می‌گیرد. آنها در این زمینه چند قول را ذکر کرده‌اند:

الف. برخی معتقد بودند که خداوند بدن پیامبر(ص) را به خاصیتی مجهز کرده بود که از خود کلامی بیرون دهد که مجازاً کلام خدا نامیده می‌شود.

ب. برخی از متکلمان هم معتقد بودند که کلام خدا به صورت الفاظ در هوا آفریده شده است.

پ. عده‌ای هم معتقد بودند که جبرئیل کلام خدا را به صورت الفاظ در آورده است.

ت. به رغم برخی نیز کلام خدا به وسیله پیامبر صورت لفظی پیدا کرده است.

هر چند متکلمان اقوال مختلفی را در باب الفاظ وحی مطرح کردند و حتی برخی مانند تفتازانی قرآن را به معنای مجازی کلام خدا دانستند، اما اعتقاد داشتند که قرآن ملفوظ مطابق با کلام خداست، نه آن که قرآن وحی شده غیر از قرآن موجود در لوح محفوظ بوده باشد.

در واقع متکلمانی که صورت بخشی به مضمون وحی را از پیامبر می‌دانستند برخلاف نظر سروش معتقد نبودند که پیامبر در کلام الهی دخل و تصرف کرده است. مشکل آنها این بود که به این دلیل که کلام بسیط و نامخلوق و ازلی نمی‌توانسته حادث و ملفوظ باشد لذا خداوند اراده کرده که جبرئیل یا پیامبر در این صورت‌بندی نقش داشته باشد یا خیر.

*تحریف سخن معتزله

نزاع اشاعره و معتزله در باب این مسئله که آیا قرآن حادث است یا قدیم، به زعم سروش، نشانگر آن است که آنها قرآن را یک محصول بشری و خطاپذیر می‌دانستند. عبارات سروش چنین است: باور به این نیز که قرآن یک محصول بشری و بالقوه خطاپذیر است در عقاید معتزله دال بر مخلوق بودن قرآن به طور تلویحی آمده است.

اصل نزاع اشاعره و معتزله این بوده که اشاعره قرآن را کلام نفسی و قائم به ذات الهی و لذا امری قدیم و ازلی می‌دانستند اما معتزله کلام الهی را از صفات فعلیه خداوند و امری حادث به شمار می‌آوردند.

از نظر معتزله کلام خداوند مانند کلام انسان به صورت الفاظ و اصوات است یعنی خداوند به هنگام تکلم، اصوات و الفاظ معنادار ایجاد می‌کند و پیامبر نیز با گوش خود آن را می‌شنود و این همان کلام الهی است اما اشاعره معتقدند که اصل کلام خداوند از جنس اصوات و الفاظ نیست تا حادث شود بلکه کلام الهی صفتی قدیم است که به نظر اشاعره به کلام نفسی مشهور شده است.